

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

ادامه بررسی دو دسته از روایات دال بر چهار فرسخ و تلفیق؛

بحث در بیان روایاتی بود که یا دلالت دارد بر اینکه مسافت اربعة فراسخ است که از آن تعبیر می‌کنیم به روایات اربعة و یا روایاتی که دلالت بر تلفیق دارد، «برید زاهباً و برید جائئاً». یک مقدار از این روایات را در جلسه گذشته خواندیم که عمده‌ی اینها در باب دوم از ابواب صلاة مسافر در کتاب «وسائل الشيعة» آمده است.

بررسی حدیث دهم:

صحيحه زراره از امام باقر(ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. سند روایت؛

در روایت دهم از علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابراهيم بن هاشم عن ابن أبي عمير عن جميل عن زرارة، روایت صحیحه است.
«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)»،

ب. دلالت روایت؛

«قَالَ: التَّقْصِيرُ (فِي السَّفَرِ) فِي بَرِيدٍ وَ الْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخَ» این هم روشن است که می‌فرماید برید، برید هم چهار فرسخ است.

بررسی حدیث یازدهم:

روایت ابو ایوب از امام صادق(ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. سند روایت؛

حدیث یازدهم، روایت قبل از امام باقر(ع) بود و این از امام صادق (ع) ابی ایوب نقل می‌کند «وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ»،

ب. دلالت روایت؛

«قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَذْنَى مَا يُقَصِّرُ فِيهِ الْمُسَافِرُ» کمترین مقداری که مسافر نمازش موجب قصر می شود جقدر است؟ حضرت فرمود «قَالَ بَرِيدٌ» که همان چهار فرسخ است، بعد می فرماید این روایت را شیخ طوسی (ره) هم به اسناد خودش از شیخ کلینی (ره) نقل کرده و به اسناد خودش از علی بن ابراهیم نقل کرده که برای تقویت سند روایت است.

بررسی حدیث دوازدهم:

مرسله ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. سند روایت؛

باز در حدیث دوازدهم؛ «وَعَنْهُ» یعنی محمد بن یعقوب کلینی عن ابراهیم بن هاشم «عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)» روایت ارسال دارد، سندش عن بعض اصحابه دارد،

ب. دلالت روایت؛

ابن ابی عمیر می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم «قَالَ: سُئِلَ عَنْ حَدِّ الْأَمْيَالِ الَّتِي يَجِبُ فِيهَا التَّقْصِيرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) جَعَلَ حَدَّ الْأَمْيَالِ مِنْ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى ظِلِّ عُيَيْرٍ» امام صادق فرمود رسول خدا (ص) حد امیال را از سایه ی عیر تا سایه ی عُییر، بعد می فرماید «وَهُمَا جَبَلَانِ بِالْمَدِينَةِ فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَقَعَ ظِلُّ عَيْرٍ» وقتی که خورشید طلوع می کند سایه ی عیر واقع می شود «إِلَى ظِلِّ عُيَيْرٍ، وَهُوَ الْمِيلُ الَّذِي وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَيْهِ التَّقْصِيرَ». روایت بعد مفصل تر همین موضوع را دارد.

بررسی حدیث سیزدهم:

مرسله محمد بن یحیی از امام صادق (ع) دال بر چهار فرسخ؛

الف. سند روایت؛

جناب کلینی (ره) به اسناد خودش از علی بن ابراهیم، او از محمد بن یحیی العطار «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَرَّازِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)،

ب. دلالت روایت؛

قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ وَأَبِي عِنْدَ وَالِ بْنِ أُمَيَّةَ عَلَى الْمَدِينَةِ» امام صادق (ع) می فرماید ما نشسته بودیم، امام باقر (ع) در نزد والی بنی امیه در مدینه بود «إِذْ جَاءَ أَبِي فَجَلَسَ» پدرم تشریف آوردند و نشستند «فَقَالَ: كُنْتُ عِنْدَ هَذَا قُبَيْلُ فَسَاءَ لَهُمْ عَنِ التَّقْصِيرِ» فرمودند قبل از اینکه بیایم پیش والی بودم و آنها را سؤال کردم. یعنی راجع به مقدار تقصیر در نماز سؤال شد از آن والی مدینه که از بنی امیه است؛ «فَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ فِي ثَلَاثٍ وَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ يَوْمٌ وَ لَيْلَةٌ وَ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ رَوْحَةٌ» علمای درباری اهل سنت کنار والی نشسته بودند یک گروهشان گفتند سه فرسخ، گروه دیگر گفتند یوم و لیل، گروه سوم گفتند رَوْحَةٌ، این رَوْحَة از یک مقداری رواج در مقابل صبح است، یعنی بعد از ظهر تا شب را می گویند، یعنی بعد از زوال تا شب را می گویند رَوْحَة، از قبل از زوال از

طلوع شمس تا زوال را می‌گویند صبح، این روحه یعنی کسی که ظهر حرکت کند تا شب، یعنی کمتر از یک روز.

«فَسَأَلَنِي» آن والی از امام باقر(ع) سؤال کرده آن وقت روحه هم مثل مرّه است از همان ماده‌ی راحه است یک بار رفتن، روحه یعنی یک بار از ظهر تا غروب حرکت کردن. والی از امام باقر سؤال کرد که نظر شما راجع به تقصیر چیست؟ «فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرِيلُ بِالتَّقْصِيرِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ (ص) فِي كَمْ ذَاكَ؟» وقتی جبرئیل آیه‌ی تقصیر را آورد که باز قبلاً وقتی ما این بحث آیه را مطرح کردیم در جلسات اول و گفتیم اختلاف واقع شده که این آیه دلالت بر نماز مسافر دارد یا نماز خوف؟ گفتیم اصلاً در روایات معروف است این آیه به آیه‌ی التقصیر، این آیه‌ی شریفه معروف به آیه‌ی تقصیر است و این هم خودش یکی از آن قرائن است. «لما نزل عليه جبرئيل بالتقصير» چون روی آن فرمایش بزرگانی که می‌گفتند این آیه مربوط به نماز خوف است، عرض کردیم لازمه‌اش این است که ما برای نماز مسافر در قرآن آیه‌ای نداشته باشیم در حالی که در روایات معروف به آیه‌ی التقصیر است. وقتی این آیه تقصیر نازل شد، پیامبر(ص) به جبرئیل فرمود «فی کم ذاک؟» اینکه می‌گوئید: ضربوا فی الأرض، ضربتم فی الأرض، این چه مقدار است؟ «فَقَالَ فِي بَرِيدٍ»، جبرئیل گفت «برید». باز پیامبر فرمودند: «قَالَ وَ أَيْ شَيْءٍ الْبَرِيدُ؟»، برید چه مقدار است؟

«فَقَالَ مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فَيْءٍ وَعَيْرٍ» که عیر و عُیر دو کوه در مدینه است، عیر در طرف طلوع خورشید قرار دارد در مشرق، عُیر در مغرب قرار دارد، آن وقت چون ظل عیر ظلّ اصلی است از آن تعبیر به ظل می‌شود، مال وعیر وقتی است که خورشید غروب می‌کند این یک ظل حادث و جدیدی است که از آن تعبیر به فیه می‌شود، فیه مثل آن سایه‌ی بدلی است، سایه دوم، سایه‌ای که برگشته، یعنی وقتی خورشید برمی‌گردد و در حال غروب کردن است این سایه‌ی عُیر می‌افتد. حضرت صادق(ع) می‌فرمایند «ثُمَّ عَيْرُنَا زَمَانًا - ثُمَّ رَأَى [رُؤْيٍ] بَنُو أُمَيَّةَ يَعْمَلُونَ أَعْلَامًا عَلَى الطَّرِيقِ وَ أَنَّهُمْ ذَكَرُوا مَا تَكَلَّمَ بِهِ أَبُو جَعْفَرٍ (ع)» امام صادق(ع) می‌فرماید بعداً بنی امیه آمدند اعلامی را بر طریق قرار دادند و آنچه را که امام باقر(ع) فرمود را عملی کردند «فَذَرَعُوا» یعنی ذراع‌بندی کردند و اندازه‌گیری کردند «مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فَيْءٍ وَعَيْرٍ، ثُمَّ جَزَّؤُهُ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا» به دوازده میل تقسیم کردند «فَكَانَتْ ثَلَاثَةُ آلَافٍ وَ خَمْسَ مِائَةِ ذِرَاعٍ» شد 3500 ذراع «كُلُّ مِيلٍ» هر میلی 3500 ذراع «فَوَضَعُوا الْأَعْلَامَ» اعلام را قرار دادند «فَلَمَّا ظَهَرَ بَنُو هَاشِمٍ غَيْرُوا أَمْرَ بَنِي أُمَيَّةَ غَيْرَةً» بنی هاشم که آمدند، قضیه بنی امیه را تغییر دادند و در ادامه دارد «لِأَنَّ الْحَدِيثَ هَاشِمِيٍّ فَوَضَعُوا إِلَى جَنْبِ كُلِّ عِلْمٍ عِلْمًا» اینها در کنار هر علمی یک علمی را قرار دادند، حالا این «لِأَنَّ الْحَدِيثَ هَاشِمِيٍّ» یعنی چه؟ چون قبلاً فرمود بنی امیه اعلامی را بر طریق قرار دادند «و ذَكَرُوا مَا تَكَلَّمَ بِهِ أَبُو جَعْفَرٍ فَذَرَعُوا كَذَا، فَوَضَعُوا الْأَعْلَامَ، فَلَمَّا ظَهَرَ بَنُو هَاشِمٍ غَيْرُوا أَمْرَ بَنِي أُمَيَّةَ غَيْرَةً» یک تغییری دادند.

بررسی حدیث چهاردهم:

روایت زرارہ از امام صادق(ع) دال بر تلفیق؛

الف. سند روایت؛

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ قَالَ»:

ب. دلالت روایت؛

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ التَّقْصِيرِ» زرارہ از مقدار تقصیر سؤال کرده «فَقَالَ بَرِيدٌ ذَاهِبٌ وَ بَرِيدٌ جَائِيٌّ» برید رفتن و برید برگشتن.

مرسله صدوق(ره) از پیامبر(ص) دال بر چهار فرسخ و تلفیق؛
روایت بعد مرسله صدوق است «وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أَتَى ذُبَابًا» وقتی حضرت به ذباب تشریف می‌بردند «قَصَرَ وَ ذُبَابٌ عَلَى بَرِيدٍ» فاصله ذباب تا مدینه چهار فرسخ است «وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ إِذَا رَجَعَ كَانَ سَفَرُهُ بِرِيدَيْنِ ثَمَانِيَةِ فَرَاسِخَ»، این و انما فعل ذلک ممکن است از کلام خود صدوق(ره) باشد. راوی گفته «إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ إِذَا رَجَعَ كَانَ سَفَرُهُ بِرِيدَيْنِ ثَمَانِيَةِ فَرَاسِخَ».

روایت امام صادق(ع) از پیامبر(ص) دال بر چهار فرسخ؛

روایت بعد «وَ قَالَ الصَّادِقُ (ع) إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ بِالتَّقْصِيرِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ (ص) فِي كَمْ ذَلِكَ فَقَالَ فِي بَرِيدٍ، فَقَالَ وَ كَمْ الْبَرِيدُ قَالَ مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فَيْءٍ وَ عَيْرٍ فَذَرَعَتُهُ بَنُو أُمَيَّةَ ثُمَّ جَزَّوْهُ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا فَكَانَ كُلُّ مِيلٍ أَلْفًا وَ خَمْسِمِائَةً ذِرَاعٍ»

این روایت شانزدهم همان روایت سیزدهم و دوازدهم است، یعنی سه تا روایت را اینجا صاحب وسائل(ره) به عنوان سه تا روایت آورده در هر سه هم دارد وقتی آیه تقصیر نازل شد پیامبر فرمودند چه مقدار نماز قصر می‌شود؟ جبرئیل از طرف خدا عرض کرد فی بَرِيدٍ، باز برید را سؤال کرد جبرئیل در جواب گفت «ما بین ظلّ عیرِ اِلی فِیء و عیرِ»، منتها این روایت هر میلی را 1500 ذراع قرار داده، آن روایت 3500 ذراع قرار داده که بعد این مسئله‌اش را می‌رسیم.

نتیجه‌گیری از شانزده روایت منقول در باب دوم از ابواب صلاة المسافرين، ضمن چند نکته؛

نتیجه این شد که ما غیر از روایات ثمانیه فراسخ، یک روایات اربعة فراسخ داریم و یک روایات تلفیق هم داریم. حال چند نکته در اینجا وجود دارد که عبارتند از:

نکته‌ی اول:

تمام روایات تلفیق، شاهد جمع بین روایات ثمانیه و روایات اربعة است؛
به مرحوم کلینی(ره) نسبت داده شده که به وسیله‌ی این روایات تلفیق، ما جمع می‌کنیم بین آن ثمانیه و اربعة، یعنی می‌گوئیم روایاتی که دلالت بر اربعة فراسخ دارد بیان حدّ اقل سیر است ذهاباً، و به قرینه‌ی این روایات تلفیق باید همین مقدار هم ایاباً باشد، چون در روایت تلفیق، روایات متعددی داشتیم برید ذهاباً و برید جائیاً. در نتیجه آنچه را که مرحوم کلینی(ره) فرموده که ظاهراً ایشان نه تنها روایات ثمانیه را در کافی نقل نکرده بلکه روایات تلفیق را هم نقل نکرده فقط به روایات اربعة فراسخ اکتفا کرده و به مرحوم کلینی(ره) نسبت داده شده که ایشان فرموده اگر کسی به چهار فرسخی رسید نمازش مطلقاً قصر است، حالا قصد برگشت دارد یا ندارد، به زور بیاورند یا نه؟ همین چهار فرسخ را مرحوم کلینی(ره) می‌خواهد بگوید حدّ برای تقصیر است، نه! تمام این روایات تلفیق شاهد جمع بین روایات ثمانیه و روایات اربعة است، این اولاً.

نکته‌ی دوم:

این است که آیا تلفیق مطلقاً کفایت می‌کند؟ یا از این روایات تلفیق، تلفیق خاص را استفاده می‌کنیم؟ ما اگر باشیم و روایات ثمانیه که این روایات را قبلاً خواندیم، روایات ثمانیه ظهور دارد در هشت فرسخ به صورت امتدادی، یعنی اگر کسی از مبدأ تا مقصد هشت فرسخ برود، ما بودیم و روایت ثمانیه باید یک چنین نتیجه‌ی روشنی را می‌گرفتیم حالا روایات تلفیق می‌گوید امتداد لازم نیست، اگر تلفیقی هم بشود کفایت می‌کند، آیا در تلفیق یک صورت خاص فقط ملاک است؟ و آن همین صورتی است که در روایات آمده، «برید زهاباً و برید جائیاً»، یعنی تنها موردی که در تلفیق اجازه داده شده چهار فرسخ برود، چهار فرسخ بیاید.

شما وقتی به فتاویٰ فقها مراجعه می‌کنید، کثیری از فقها می‌گویند همین تلفیق خاص ملاک است. شما وقتی به حواشی کتاب «العروة الوثقی» مراجعه کنید، ملاحظه خواهید کرد که در حواشی کتاب «العروة الوثقی» چند قول وجود دارد که عبارتند از:

قول اول:

رفت فقط چهار فرسخ و برگشت نیز فقط چهار فرسخ؛

از جمله حاشیه مرحوم نائینی(ره)، حاشیه مرحوم محقق حائری(ره)، حاشیه مرحوم آقای حکیم(ره)، حاشیه مرحوم آقای خوئی(ره)، حاشیه مرحوم آقای گلپایگانی(ره)، اکثراً قائلند به اینکه فقط این نوع تلفیق ملاک است، چهار فرسخ برود و چهار فرسخ بیاید، روی این قول اگر کسی سه فرسخ برود پنج فرسخ بیاید فایده ندارد، پنج فرسخ برود و سه فرسخ بیاید فایده ندارد؛

قول دوم:

اقل رفت فقط چهار فرسخ، اما برگشت اگر اقل از اربعة فراسخ بود مانعی ندارد.

این است که در زهاب فقط چهار فرسخ لازم است اما در ایاب چهار فرسخ لازم نیست، در نتیجه اگر پنج فرسخ رفت سه فرسخ آمد کافی است، شش فرسخ رفت و ایابش حالا این شهر یک راه دومی دارد که از آن راه با دو فرسخ می‌شود به شهر آمد، شش فرسخ رفت و دو فرسخ آمد کافی است، روی قول دوم باید زهاب اقل از اربعة فراسخ نباشد. مرحوم آقای بروجرودی(ره)، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی(ره)، مرحوم امام خمینی(ره)، مرحوم والد ما(ره)، اینها همین نظریه را دارند و می‌فرمایند زهاب باید اقل از اربعة فراسخ نباشد اما ایاب اگر اقل از اربعة فراسخ بود مانعی ندارد.

قول سوم:

مجموع باید ثمانیه فراسخ باشد؛

قول خود مرحوم سید(ره) در کتاب «العروة الوثقی» است؛ سید(ره) می‌فرماید نه در زهاب و نه در ایاب چهار فرسخ ملاک نیست، روی قول سید اگر کسی از شهرش دو فرسخ رفت به یک نقطه‌ای، از آن نقطه یک راه دیگری را انتخاب کرد که شش فرسخ است، چون مجموع می‌شود ثمانیه فراسخ کفایت می‌کند.

جلسه آتی:

بررسی ادله اقوال ثلاثه؛

این سه قولی که در مسئله وجود دارد. حالا ما باید ادله‌ی این اقوال را ببینیم که این اقوال، ادله‌اش چیست؟ مثلاً

باید بررسی شود؛ نظریه‌ای که مرحوم نائینی(ره) و مرحوم حائری(ره) و اعلام نجف آن را قائل‌اند، یعنی چهار فرسخ برود و چهار فرسخ بیاید، هیچ کدام کمتر از چهار فرسخ نباشد، یعنی البته این اقلّ آن است و گرنه شش فرسخ برود و شش فرسخ هم بیاید مانعی ندارد، باید ذهاب و ایاب کمتر از چهار فرسخ نباشد، ببینیم ادله‌ی اینها چیست؛ شما هم به موسوعه‌ی مرحوم خوئی(ره) مراجعه کنید در این بحث، یک روش استنباطی در این روایات می‌بینید.

باید بررسی شود و ببینیم که نظر مرحوم آقای بروجردی(ره) چیست؛ چه اینکه محقق بروجردی در کتاب «البدر الزاهر» که تقریرات درس ایشان است، یک نحوه دیگری در استنباط است که باید ملاحظه کنید.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین